

حادثه‌ها

اعدام ۳متجاوزبه‌عنف

● واحدمرکزی‌خبر: حکم مجازات سه‌متجاوزبه‌عنف دیروز در همدان اجرا شد. حمزه، دادستان عمومی و انقلاب استان همدان گفت: حکم اعدام این سه‌نفر به موجب دادنامه‌صاحده از شعبه دوم دادگاه کیفری استان همدان و تایید شعبهٔ ۳۳ دیوانعالی کشور و پس از صدور مجوز ریاست قوهقضاییه اجرا شد.

مرگ ۳کارگر در آتش‌سوزی مبل‌سازی

● واحدمرکزی‌خبر: سه‌کارگر کارگاه مبل‌سازی در تبریز بر اثر آتش‌سوزی در این کارگاه جان باختند. مطلبی، مدیر روابطعمومی سازمان آتش‌نشانی تبریز گفت: «این حادثه شامگاه یکشنبه روی داد و به‌علت وجود مواد قابل‌اشتعال، همچون تینر و گالن‌های رنگ در کارگاه مبل‌سازی گسترده‌گی آن زیاد بود.» مطلبی با بیان اینکه در این حادثه سه‌کارگر در اتفاقی محبوس شده بودند و تنها راه خروجی آن نیز با قفل بسته بود، گفت: «ماموران آتش‌نشانی بعد از یک ساعت تلاش موفق شدند، این سه‌کارگر را با علایم حیاتی از میان آتش بیرون بیاورند، اما آنها حین انتقال به بیمارستان به علت اشتیاق دود جان باختند.» نوری، رییس ایستگاه۱۸آتش‌نشانی تبریز هم علت این حادثه را متصادعشدن بخارات تینر، رنگ‌روغن و مجاورت آنها با سیستم گرمایشی غیراستاندارد در محل اعلام کرد و گفت: «چون مواد آتش‌زا در ورودی کارگاه نگهداری می‌شد به‌محض آتش‌گرفتن، راه ورود به کارگاه مسدود شده بود.»

کلاهبرداری ۸۳۰میلیاردریالی با شرط‌بندی آنلاین

● پلیس‌خبر: فرمانده انتظامی استان مازندران از دستگیری اعضای شبکه بزرگ سایت‌های شرط‌بندی با کلاهبرداری ۸۳۰میلیاردریالی خبر داد. سردار «مسعود جعفری نسب» گفت:افراد سودجویی که با ایجاد سایت و وبلاگ به بهانه کمک به ورزش کشور و کمک به پیشکسوتان فوتبال، شرط‌بندی آنلاین در فضای مجازی ایجاد کرده بودند، با اقدامات اطلاعاتی و فنی پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات، شناسایی و دستگیر شدند. فرمانده انتظامی استان مازندران افزود: ماموران پلیس فتا با انجام اقدامات اطلاعاتی و فنی موفق شدند، بیش از ۵۵سایت و وبلاگ و بیش از ۷۰نفر از گردانندگان این سایت‌ها را در سطح استان مازندران و سایر استان‌های کشور، شناسایی و دستگیر کنند. فرمانده انتظامی استان مازندران با اشاره به کشف کلاهبرداری ۸۳۰میلیاردریالی این سایت‌ها، گفت: گردانندگان این سایت‌ها با راه‌اندازی شرط‌بندی مسابقات فوتبال تحت‌عنوان نظرسنجی، پیش‌بینی، کارشناسی و فروش اسکریت پیش‌بینی مسابقات فوتبال، اعمال مجرمانه خود را عملی می‌کردند. جعفری‌نسب گفت: گردانندگان این سایت‌ها، پس از گذاشتن انواع بازی‌های داخلی و خارجی به‌صورت پیش‌بینی مسابقات در اول‌هفته، میان‌هفته و پایان‌هفته روی سایت یا وبلاگ خود و به‌صورت تست‌های تک‌بازی و چندبازی، افراد و گروه‌های مختلف را با اخذ مبالغی تشویق به شرط‌بندی می‌کردند. فرمانده انتظامی مازندران گفت: متهمان برای قانونی‌چلوه‌دادن اقدامات خود، تصاویر استفتائات مراجع تقلید را با سوءالاتی که به دیدگاه خودشان مطرح می‌کردند، در سایت بارگذاری می‌کردند تا به شرکت‌کنندگان این‌گونه القا کنند که اقدامات آنان خلاف قانون و شرع نیست.

سرفت گاردریل

● شرق: مردی که گاردریل معابر عمومی را سرفت می‌کرد، دستگیر شد. سرهنگ «برزو همتی»، فرمانده انتظامی ملارد، در این‌باره گفت: «ماموران حین‌گشت‌زنی به فردی که به‌طرز مشکوکی در کنار گاردریل‌ها ایستاده بود، مظنون شدند. متهم با نزدیک‌شدن پلیس فرار کرد.» رییس‌پلیس شهرستان ملارد گفت: «متهم با اقدام به موقع پلیس دستگیر شد و به چهارقرهه سرفت گاردریل اعتراف کرد.»

کلاهبرداری میلیاردی به بهانه پرداخت وام

● شرق: فردی که با راه‌اندازی صندوق محلی و به بهانه‌دادن وام از ۸۰نفر مبلغ ۱۲میلیارد۱۳۰میلیون‌ریال کلاهبرداری کرده بود توسط پلیس دستگیر شد. سرهنگ «داود عبدالمالکی»، فرمانده انتظامی شهرستان بهارستان واقع در غرب استان تهران، گفت: «درپی شکایت تعدادی از شهروندان درخصوص راه‌اندازی صندوق محلی در نسیم‌شهر و کلاهبرداری مبلغ ۱۲میلیارد۱۳۰میلیون‌ریال، بررسی موضوع شروع شد.» ماموران با انجام تحقیقات موفق به دستگیری متهم که زنی جوان و با تحصیلات دانشگاهی است، شدند. سپس مشخص شد متهم به شهروندان وعده داده بود، هر مبلغی در این صندوق به مدت چهارماه پس‌انداز کنند، به همان اندازه، وام دریافت خواهند کرد. او به این شیوه از ۸۰نفر کلاهبرداری کرده بود. به گفته عبدالمالکی، متهم در بازجویی‌های صورت‌گرفته به جرم خود اعتراف و اقرار کرد همه مبالغی را که از شکات گرفته به حساب خوش واریز کرده است.

جنایت؛ ایستگاه آخراختلافات خانوادگی

یکی از متهمان خواهرش و دیگری شوهرش را کشته و متهم سوم همسر برادرش را به قتل رسانده است

شرق: عاملان سه جنایت خانوادگی که به جرمشان اعتراف کرده‌اند، در زندان به‌سر می‌برند و منتظر برگزاری جلسه محاکمه هستند تا از خود دفاع کنند. یکی از این متهمان جوانی ۲۰ساله است که خواهرش را به قتل رسانده است. خانوادهٔ دختری ۲۳ساله به‌نام مهشید چندروزقبل با مراجعه به پلیس آگاهی نیشابور خبر دادند دخترشان گم شده است. کارآگاهان بعد از دریافت این شکایت تلاش خود را برای یافتن ردی از مهشید آغاز کردند اما به نتیجه‌ای نرسیدند تا اینکه به برادر مهشید ظنین شدند و از او بازجویی کردند. اظهارات ضدونقیض این جوان ۲۰ساله سبب شد کارآگاهان به پرس‌وجو از او ادامه دهند تا اینکه بالاخره وی اعتراف کرد خواهرش را کشته است. این جوان گفت: «من و مهشید سه‌موضوعی باهم اختلاف داشتیم. روز حادثه بعد از مشاجره، درحالی‌که به‌شدت عصبانی بودم خواهرم را خفه کردم بعد برای اینکه کسی متوجه موضوع نشود جنازه را در یک موکت پیچیدم و در چاهی در گاوداری انداختم و از این موضوع حرفی به کسی ن‌زدم.»

کارآگاهان بعد از شنیدن این اعترافات همراه ماموران آتش‌نشانی به گاوداری رفتند و توانستند جسد دختر را از چاه خارج کنند. متهم درحال‌حاضر در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیق از او همچنان ادامه دارد. درهمین‌حال زنی که شوهرش را به قتل رسانده و جنازه او را در باغچه خانه دفن کرده بود، در بازجویی‌های پلیسی جزئیات قتل را شرح داد. این زن که محبوبه نام دارد، چندی قبل به پلیس آگاهی استان فارس مراجعه کرد و خبر داد شوهرش به نام محمود ناپدید شده است. این زن گفت: «شوهرم برای انجام کارهایش از خانه بیرون رفت اما هرچه منتظر ماندم برنگشت و تلفن همراهش نیز خاموش بود به همین دلیل نگران شدم و تصمیم گرفتم پلیس را از موضوع باخبر کنم.»ماموران وقتی تلاش‌های خود را برای یافتن ردی از محمود آغاز کردند، پی بردند نام این فرد در هیچ‌یک از مراکز انتظامی، درمانی و پزشکی‌قانونی به ثبت نرسیده است به‌همین‌دلیل بار دیگر از همسر او بازجویی کردند. محبوبه در این مرحله گفت: «روز حادثه دیدم شوهرم قصد دار از خانه بیرون برود. از او پرسیدم

دستگیری فروشندگان گوشت الاغ به رستوران‌ها

شرق: اعضای باند سه‌نفری که گوشت سرتقی و همچنین گوشت الاغ به رستوران‌های تهران می‌فروختند، دستگیر شدند. اعضای این گروه، باامداد دیروز در جریان طرح ویژه پلیس تهران دستگیر شدند. علاوه‌بر این سه متهم، ۷۶ سارق دیگر نیز که در قالب ۹ باند فعالیت می‌کردند، بازداشت شدند. فروشندگان گوشت الاغ بعد از دستگیری اعتراف کردند بر مراجعه به قصابی‌ها، گوشت سرق می‌کردند و سپس به رستوران‌داران می‌فروختند. آنها همچنین اعتراف کردند در مواردی نیز گوشت الاغ را به‌جای گوشت گوسفند یا گوساله به رستوران‌داران فروخته‌اند. سردار ساجدی‌نیا، فرمانده پلیس تهران با اشاره به اعترافات اعضای این باند، گفت: «لایم است حتما رستوران‌داران از قصابی‌های مشخص یا مراکز مجاز توزیع گوشت برای تامین مایحتاج خود اقدام کنند.»فرمانده انتظامی تهران بزرگ همچنین درباره متهمانی که در جریان طرح ویژه پلیس دستگیر

شدند، توضیح داد: «دیروز مجموعه آگاهی طی عملیات گسترده در تهران و چند شهرستان همجوار توانست ۷۹ سارق را در قالب ۱۰باند دستگیر کند.»او درباره جرایم ارتكایی اعضای باندها گفت: یکی از این باندها در حوزه زورگیری فعالیت داشت و باند دیگری اقدام به سرفت خودروهای داخلی و خارجی می‌کرد. سرفت از منازل، قاچاق موادمخدر و تجاوز به عنف نیز از دیگر جرایم این باندها بود.

ساجدی‌نیا با اشاره به شناسایی توزیع‌کننده بزرگ موادمخدر در جریان اجرای این طرح گفت: ماموران پلیس آگاهی با اجرای عملیات دستگیری اعضای باند سرفت از منازل، موفق به شناسایی و دستگیری متهم سابقه‌داری در زمینه تهیه و توزیع موادمخدر از نوع شیشه‌شده و در گام بعدی توانستند متهم یک کیلو و ۶۶۰ گرم شیشه کشف کردند. ساجدی‌نیا ادامه داد: «میانگین سنی سارقان دستگیرشده ۲۰ تا ۳۰سال و بیش از ۶۰درصد دستگیرشدگان سابقه‌دار هستند.»

سوءتفاهم؛ انگیزه قتل آتشین

شرق:مردی که دوستش را در پی یک‌سوءتفاهم با ضربات چاقو به قتل رسانده و جسدش را به آتش کشیده است، در بازجویی‌های پلیسی جزئیات جنایت را شرح داد.

تحقیقات پیرامون این جنایت از ۲۱آذر آغاز شد و کارآگاهان پلیس آگاهی استان خراسان‌رضوی جنازه سوخته مردی به نام هوشنگ را در یک باغ یافتند. بعد از انتقال جسد به پزشکی‌قانونی تلاش برای رازگشایی از جنایت در دستور کار قرار گرفت تا اینکه ماموران خودرو پرایدی را پیدا کردند که به آتش کشیده شده بود. اسناد این خودرو نشان می‌داد پراید متعلق به مقتول است. وقتی ماموران اتومبیل را با دقت بازرسی کردند، یک گوشی تلفن‌همراه یافتند. از آنجا که خط موردنظر متعلق به هوشنگ نبود، این احتمال مطرح شد که قاتل موبایل خود را جا گذاشته است به این

پنج قاره

بهمن‌جان ۶کوهنورد را گرفت

● کاردین: شش کوهنورد بر اثر ریزش بهمن در کوه‌های آلپ فرانسه جان باختند. اجساد این کوهنوردان که روز شنبه صعود را آغاز کرده بودند، باامداد یکشنبه یافت شد. اعضای این گروه کوهنوردی چهارمرد و دوزن در سنین ۵۸ تا ۷۳سال بودند. این حادثه یکی از مرگبارترین موارد سقوط بهمن طی سال‌های اخیر در کوه‌های آلپ فرانسه است. از آغاز زمستان تاکنون، دست‌کم ۱۷نفر بر اثر ریزش بهمن در این منطقه جان باخته‌اند.

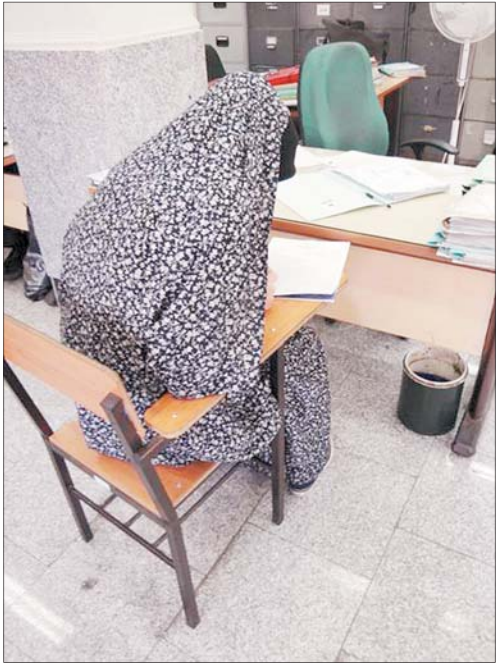
بازداشت به‌اتهام قتل نافرجام فرزندان

● یواس‌ای‌تودی: پلیس آمریکا اعلام کرد حال سه‌کودکی که مادرشان با چاقو ضربات شدید بر آنها وارد کرده، وخیم است. طبق اعلام پلیس محلی واشنگتن، این مادر ۲۹ساله به اتهام تلاش برای به قتل‌رساندن فرزند دوساله و دوقلوهای شش‌ماهه‌اش بازداشت‌شده است. پدر این سه‌کودک پس از رسیدن به خانه متوجه شد همسرش ضربات چاقو را به بدن فرزندانش وارد و آنان را از ناحیه گردن مجروح کرده است. پلیس با بیان اینکه سه‌کودک تا روشن شدن جزئیات حادثه در مرکز مراقبت از کودکان بی‌سرپرست نگهداری

حوادث

جنایت؛ ایستگاه آخراختلافات خانوادگی

یکی از متهمان خواهرش و دیگری شوهرش را کشته و متهم سوم همسر برادرش را به قتل رسانده است



کجا می‌رود، جواب داد باید به چند حساب مربوط به کارهایش رسیدگی کند و زود برمی‌گردد. بعد از رفتن محمود من خوابیدم اما وقتی بیدار شدم دیدم هنوز به منزل برنگشته به همین دلیل با تلفن همراهش تماس گرفتم اما خاموش بود. فکر کردم شاید جایی گرفتار شده است به همین دلیل کمی منتظر ماندم اما فایده‌ای نداشت. من خبر ندارم شوهرم به کجا رفته و با چه افرادی ملاقات کرده است.»کارآگاهان که احتمال می‌دادند محمود به

قتل رسیده باشد، به بررسی زندگی خصوصی او پرداختند و فهمیدند این مرد با همسرش اختلافات زیادی داشته، همین مساله سبب شد محبوبه به‌عنوان مظنون شناخته شود و بار دیگر پشت‌میز بازجویی بنشیند. زن جوان که همچنان قصد داشت بر ادعاهای اولیه‌اش اصرار کند، این‌بار به بن‌بست رسید و اقرار کرد محمود را کشته است. او گفت: «شوهرم به موادمخدر معتاد بود و به همین دلیل با هم اختلاف داشتیم. از کارهای او خسته شده بودم و در نهایت نقشه قتل را کشیدم. روز حادثه بعد از اینکه دوباره با محمود دعوا کردیم، او را خفه کردم، بعد جسد را کنشان‌کنشان به حیاط بردم و در آنجا دفن کردم سپس برای اینکه پلیس به من مشکوک نشود کشتنی را مطرح و ادعا کردم شوهرم ناپدید شده است.»کارآگاهان بعد از ثبت اعترافات این زن به خانه‌اش رفتند و با کندن باغچه جسد شوهر او را یافتند. این زن نیز فعلا در بازداشت به‌سر می‌برد تا تحقیقات مقدماتی از او کامل شود. سومین فردی که به‌دلیل اختلافات خانوادگی دست به جنایت زده، مردی است که همسر برادرش را کشته است. کارآگاهان پلیس آگاهی استان خراسان‌رضوی چندی قبل با اعلام گزارش توسط مردی جوان مطلع شدند همسر او به نام راحله گم شده است. آنها در تلاش برای یافتن ردی از راحله، جسدی سوخته را یافتند و با انجام آزمایش‌های تخصصی پی بردند این زن همان راحله است. در ادامه فاش شد مقتول روز حادثه چکی ۲۲۰میلیون‌تومانی همراه داشته. شوهر راحله توضیح داد این چک درواقع اثریه پدری‌شان بود که آن را به راحله سپرده بودند. ماموران در ادامه تحقیقات به یکی از برادران همسر راحله شک کردند. این مرد که ابتدا خودش را بی‌اطلاع معرفی کرد بود، در نهایت اقرار قتل را فاش کرد. او گفت: «روز حادثه همراه دوبرادرم راحله را سوار خودرو کردیم و به خانه‌ای بردیم تا بتوانیم چک را از او بگیریم اما سر این موضوع مشاجره کردیم و وقتی راحله به پدرمان توهین کرد، یکی از برادرانم او را به‌قتل رساند. بعد جسد را از خانه بیرون بردیم و به آتش کشیدیم.»

ماموران در ادامه، دو برادر این فرد را بازداشت کردند و متهم اصلی به جرمش اعتراف کرد. رسیدگی به این پرونده نیز همچنان ادامه دارد.

بازگشت ۲ محکوم به قصاص به زندگی

شرق: دو مرد که در پرونده‌های جداگانه به قصاص محکوم شده بودند، با گذشت اولیای‌دم به زندگی بازگشتند. یکی از این متهمان پنج‌و نیم‌سال پیش به اتهام قتل عمد دستگیر شد و به زندان افتاد. این فرد پس از طی مراحل مختلف دادرسی به قصاص محکوم و حکم وی در دیوانعالی کشور تایید شد. سرانجام بعد از تعیین زمان اجرای حکم، محکوم‌بای چوپه‌دار رفت و طناب‌دار نیز به‌گردنش انداخته شد اما اولیای‌دم در آخرین لحظات، طناب‌دار را از گردن قاتل باز کردند و رضایت دادند. «علی جلیلی» مدیرکل زندان‌های آذربایجان‌غربی دراین‌باره گفت: «گذشتن از حق قانونی و شرعی، روحیه‌ای بالا می‌خواهد و این خانواده با بزرگ‌منشی فرصت زندگی مجدد را به قاتل بخشیدند.» در دومین پرونده، گذشت اولیای‌دم باعث شد جوانی که به جرم قتل در زندان گرگان به‌سر می‌برد، از قصاص نفس نجات پیدا کند. «محمود به‌لحاظ جنبه عمومی جرم، مشخص شود.

نمی‌کنم، اما دوستم حرفم را قبول نکرد و مشاجره‌ای شروع شد. من هم عصبانی شدم و با همان چاقویی که برای هوشنگ برداشته بودم، ضربه‌ای به او زدم و وی را کشتم. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز سوار پراید هوشنگ است. دوستم به من گفت این دختر با خانواده‌اش دچار اختلاف شده و قصد ندارد به خانه برگردد. قرار شد او را تا مسیری برسانیم البته قبل از آن به پمپ‌بنزین رفتم و هوشنگ پیاده شد تا بنزین بزند او یک بطری نوشابه را هم با بنزین پر کرد.» متهم به قتل ادامه داد: «وقتی دختر غریبه را پیاده کردم، هوشنگ گفت چرا وقتی از ماشین پیاده شده بودم، شماره موبایل آن دختر را گرفتی. من انکار کردم و گفتم اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که با هم می‌رفتم، هوشنگ از من چاقو خواست. من هم چاقویی را از خانه برداشتم و به او دادم. سپس دونفری راهی یک‌باغ شدیم. در آنجا هوشنگ بار دیگر بحث آن دختر را پیش کشید. من که هفت‌ماه قبل ازدواج کرده بودم، توضیح دادم متاهل هستم و چنین کاری محال ملاقات رفتم. دیدم دختری جوان نیز